



An Examination of Āṣif Muḥṣinī's Critical View on Correcting Weak Chains in *Tahdhibayn* Using Sound Chains from *al-Fihrist*

Dr. Saeedeh Mohseni

PhD Graduate, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Dr. Mohammad Hasan Rostami  (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Email: Rostami@um.ac.ir

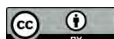
Hasan Naqizadeh 

Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

Isnād reinforcement through alteration, substitution or correction is a well-established method in addressing weak chains of transmission in Hadith literature. A prominent example is the practice of correcting weak chains in *al-Mashyakhat al-Tahdhibayn* using authentic chains found in *al-Fihrist*, a method employed by many *rijāl* scholars to increase the number of reliable *isnāds* and transmission routes in *al-Mashyakha*, though there are differences in how this principle is applied and in the process it involves. Most proponents base this approach on Shaykh Ṭūsī's transfer of certain transmission paths from *Mashyakha* to *al-Fihrist*. However, Āṣif Muḥṣinī, a contemporary expert in *rijāl* studies, questions this practice, arguing that such corrections lack sufficient textual support in *al-Fihrist*. He points particularly to the frequent use of the expression "*akhbarānā*" (he informed us) by Ṭūsī, which he believes indicates mere awareness of book titles rather than concrete modes of transmission such as audition or recitation. While Muḥṣinī also presents some speculative arguments, these lack strong theoretical evidence.

Keywords: Isnād correction, *al-Mashyakhat al-Tahdhib*, reliable chains, *al-Fihrist*, Āṣif Muḥṣinī.





واکاوی دیدگاه آصف محسنی درباره قاعده تصحیح اسناد ضعیف

«تهذیبین» با اسناد صحیح «الفهرست»

دکتر سعیده محسنی

دانش آموخته دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

دکتر محمدحسن رستمی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: Rostami@um.ac.ir

حسن نقی زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

تصرف و تعویض و تصحیح سندی، از جمله روش های مقبول در راستای ترمیم اسناد ضعیف روایات به شمار می روند. از مهم ترین زمینه های اجرای روش مذکور، تصحیح اسناد ضعیف «مشيخة التهذيبين» با اسناد معتبر «الفهرست» است که بسیاری از رجال پژوهان با بهره گیری از آن بر شمار اسناد و طرق معتبر «المشيخة» افزوده اند؛ هر چند در نحوه به کارگیری این قاعده و فرایند آن تفاوت هایی به چشم می خورد. آنچه در تصحیح اسناد ضعیف «المشيخة» مبنای اکثر رجال پژوهان قرار گرفته، واگذاری برخی طرق به الفهرست از سوی شیخ طوسی است.

آصف محسنی، از رجال پژوهان معاصر است که تصحیح سندی را با ارائه شواهدی از خود الفهرست دشوار دانسته و از اعمال چنین روشی در تصحیح اسناد فاصله می گیرد. مهم ترین دلیل وی، استفاده فراوان شیخ طوسی از عبارت «اخرنا» در الفهرست است که به نظر وی، مفادی فراتر از آگاهی از «اسامی» کتاب ها و اصل ها به دنبال نداشته و بر دیگر روش های تحمل (روایت و کتاب) چون سماع، قرائت و... دلالتی ندارد. آصف محسنی برخی از دلایل استبعاد را نیز در رد تصحیح مذکور مطرح کرده است که نسبت به دیگر دلایل وی از پشتوانه محکم نظری برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: تصحیح سندی، المشيخة التهذيب، طریق معتبر، الفهرست، آصف محسنی.

مقدمه

«فهرست نویسی» در کنار دیگر روش های رجالی، همچون تکیه و تنظیم محتوا بر مبنای طبقات، همچون رجال برقی و رجال طوسی، نام های راویان نظیر منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، از میرزا محمد استرآبادی و نقد الرجال، از سید مصطفی تفرشی و معجم الرجال الحديث، از سید ابوالقاسم خویی و جرح و تعدیل نظیر خلاصة الاقوال، از علامه حلی و کتاب الرجال، از ابن داوود حلی، از جمله سبک های نگارش در علم رجال است که فهرستی از اسامی کتاب ها یا اصل ها در موضوعات گوناگون را به همراه طریق دستیابی به آن ها ذکر می کند. فهرست نجاشی و شیخ طوسی به عنوان مهم ترین فهرست های به جامانده شناخته می شوند؛ هر چند این دو فهرست به هدف معرفی دارندگان کتاب ها و اصل ها تنظیم شده است، اما واکاوی دقیق آن ها داده های مهم دیگری از این دست را در اختیار رجال پژوهان قرار می دهد: شناسایی وثاقت و ضعف راویان، فهم سیر نگاشته های شیعیان در تاریخ،^۱ حدیث، فقه، ادبیات و... در دوران های گوناگون، شناسایی چگونگی عملکرد مکتب های کلامی،^۲ فقهی و... امامیه، آگاهی از برخی اطلاعات کتاب شناختی نظیر اعتبارسنجی نسخه های کتاب ها و در برخی موارد، واکاوی صحت انتساب کتاب ها و اصل ها به نویسندگان.^۳

کتاب فهرست نجاشی که بعد از الفهرست و رجال شیخ طوسی تألیف شده است،^۴ نام کامل الفهرست شیخ طوسی را «فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین» درج کرده است.^۵ کتاب الفهرست، یکی از پنج منبع اصلی و معتبر در علم رجال است^۶ که به ترتیب حروف الفبا و صرفاً با در نظر داشتن حرف نخست کلمات تنظیم شده است. شیخ طوسی در الفهرست، ۹۱۲ راوی را به همراه دوهزار و اندی کتاب از اصول و مصنفات شیعه نام می برد؛ راوی های مذکور واسطه های بین ایشان و صاحبان اصول و مصنفات هستند و به عبارت دیگر، طریق های شیخ طوسی محسوب می شوند. از این میان، تنها ۷۶ نفر مورد توثیق ایشان قرار گرفته است.^۷ الفهرست به درخواست یکی از معاصران که به باور برخی، قاضی عبدالعزیز بن البراج است، نگاشته شد.^۸

۱. نیل ساز، رجایی فرد، «سیر تاریخ نگاری شیعه در پنج قرن نخست براساس دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی»، ۲۵.

۲. مروی، غفوری نژاد، «سیمای مکتب کلامی بغداد براساس داده های نجاشی و طوسی»، ۲۱۳.

۳. برای نمونه: ش ۶۷۶: «علی بن الحسن بن علی» در نجاشی، رجال النجاشی، ۲۵۷.

۴. بحر العلوم، الفوائد الرجالية، ۴۶/۲؛ کلباسی، الرسائل الرجالية، ۱۹۹/۲؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۶۰.

۵. نجاشی، رجال النجاشی، ۴۰۳.

۶. خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ۹۵/۱.

۷. ربانی، سبک شناسی دانش رجال حدیث، ۹۴.

۸. تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ۱۴۵/۵.

شیخ طوسی تألیف الفهرست را قبل یا هم‌زمان با کتاب رجال خویش و در دوره استادش سیدمرتضی آغاز کرده است.^۹ الفهرست شیخ طوسی با ابهاماتی روبه‌روست^{۱۰} و شاید بتوان کاستی‌های موجود در آن را از زوایایی چون اشتباهات یا تصرف‌های ناسخ،^{۱۱} روش ویژه شیخ طوسی در تدوین الفهرست^{۱۲} یا به منابع (فهارس قبل از وی: فهرست ابن‌ندیم، فهرست ابن‌بطه، کتاب اسناد حمید بن زیاد، رجال نجاشی و...) مورد استفاده شیخ طوسی در تدوین الفهرست^{۱۳} بررسی کرد.

روش تألیف شیخ طوسی در الفهرست به‌گونه‌ای است که اسم‌های دارندگان کتاب‌ها و اصل‌ها را ذکر کرده و در مواردی به توثیق یا تضعیف آن‌ها پرداخته و در ادامه، گزارشی راجع به شرح حال نویسنده و ذکر کتاب یا کتاب‌های وی به‌همراه تبیین طریق‌ها به صاحب کتاب یا اصل را ارائه می‌دهد، اما اثر وی به روایان شیعه محدود نیست و هر فرد دارای تألیف در روایات امامیه باوجود انحراف عقیدتی نیز بررسی شده است.^{۱۴} درنهایت، کارکردهای مشخص الفهرست را می‌توان در این محورها مطرح کرد: معرفی کتاب‌ها و اصل‌ها در روایات امامیه؛ معرفی نویسندگان این کتاب‌ها و اصل‌ها؛ ذکر واسطه‌های شیخ طوسی تا نویسندگان این کتاب‌ها و اصل‌ها.

افزون‌بر کارکردهای سه‌گانه ذکرشده، شیخ طوسی بعضی از طریق‌ها را به این کتاب واگذار کرده است: «قد اوردت جملا من الطرق الی هذه المصنفات و الاصول و لتفصیل ذلک شرح بطول هو مذكور فی الفهارس المصنفة فی هذا الباب للشیوخ رحمهم الله من اراده أخذه من هناك ان شاء الله و قد ذکرنا نحن مستوفی فی کتاب فهرست الشیعة.»^{۱۵} این واگذاری بدان معناست که اگر برخی از طریق‌های شیخ طوسی در دیگر آثار ایشان دارای اعتبار نباشد، با طریق‌های معتبر و موجود در الفهرست می‌توان به آن‌ها اعتبار بخشید و به‌تصحیح روایات کتاب‌های دیگر شیخ طوسی پرداخت.^{۱۶}

این واگذاری، روزه مهمی را برای رجال‌پژوهان می‌گشاید تا با به‌کارگیری آن بسیاری از سند‌های ضعیف را اعتبار بخشیده و بر تعداد روایات معتبرالسند بیفزایند. براین‌د ارجاع‌دادن شیخ طوسی به الفهرست را می‌توان با عناوینی چون تصرف سندی، تعویض سندی و درنهایت، تصحیح سندی رهگیری کرد. در

۹. جلالی، «مزایای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آن‌ها با یکدیگر»، ۱۰۱.

۱۰. شوشتری، قاموس الرجال، ۲۸/۱.

۱۱. جلالی، «بررسی روش عمومی شیخ طوسی در کتاب فهرست»، ۱۴۹.

۱۲. خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ۱۰۱/۱.

۱۳. شوشتری، قاموس الرجال، ۳۷/۱-۳۹.

۱۴. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۴۸۷.

۱۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ۸۸/۱۰.

۱۶. خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ۷۸/۱؛ سیستانی، قبسات من علم الرجال، ۲۵۰/۲.

واقع، از رهگذر تصرف در سندی که مورد ضعفی در آن وجود دارد و تبدیل آن به سندی دیگر می‌توان به تصحیح سندی دست یافت.^{۱۷}

با بررسی برخی آثار رجالی^{۱۸} می‌توان برای تصحیح سندی، صورت‌ها و مصداق‌هایی از این دست را طرح‌ریزی کرد: تعویض سند التهذیب و الاستبصار با سند الفهرست؛ تعویض سندهای ذکرشده توسط شیخ طوسی با سندهای نجاشی؛ تعویض سندهای شیخ طوسی با سندهای شیخ صدوق. تعداد شایان توجهی از رجال‌پژوهان با تطبیق صورت نخست تعویض سندی، طریق‌های معتبری را به مشیخه التهذیب افزوده‌اند. می‌توان در «جامع الرواة» بهره‌گیری از این راهکار را بیش از دیگر آثار رجالی مشاهده کرد؛ محقق اردبیلی با تلاش‌های فراوان سندهای ضعیف التهذیب و الاستبصار را با سندهای موجود و معتبر در الفهرست به‌طور گسترده‌ای تقویت می‌کند.^{۱۹}

به نظر می‌رسد بهره‌گیری از راهکار تصحیح سندی، در میان رجال‌پژوهان از کیفیت یکسانی برخوردار نبوده است؛ چراکه نحوه تطبیق صورت‌های تصحیح سندی در برخی آثار مورد نقد جدی برخی دیگر قرار گرفته است.^{۲۰}

در پژوهش حاضر، محور نخست «تعویض سندهای ضعیف التهذیب با اسناد معتبر الفهرست» در دیدگاه آصف محسنی واکاوی می‌شود.

۱. طرح مسئله

أ. شیوة شیخ طوسی در التهذیبین، همچون کلینی و صدوق بر نقل حدیث با ذکر سند بوده اما به دلیل اختصار، روایات را با سند کامل نقل نکرده است. ایشان ابتدا بسیاری از اسانید را حذف کرده و سند را به صورت معلق از صاحبان کتاب‌ها شروع می‌کند^{۲۱} و سپس طریق‌های خود را به‌طور کامل در پایان التهذیبین با عنوان المشیخه گرد آورده است. المشیخه با دو مسئله جدی مواجه است: نخست آنکه، همه طریق‌های موجود در آن معتبر نیست (مثل طریق به محمد بن علی بن محبوب) و دوم اینکه، طریق شیخ طوسی به برخی راویان که نامشان در متن کتاب آمده، در المشیخه ذکر نشده است (مثل طریق روایت‌های اسحاق بن عمار).

۱۷. حانری، مباحث الاصول، ۲۳۸/۳.

۱۸. طریحی، جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال، ۴۶؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۱۳/۲۴؛ ابن شهید ثانی، منتقى الجمان، ۲۸/۱؛ کاظمی، عدة الرجال، ۲۵۹/۲.

۱۹. مقدس اردبیلی، جامع الرواة و اذاعة الاشتهارات عن الطرق و الاسناد، ۳/۱.

۲۰. مقدس اردبیلی، جامع الرواة و اذاعة الاشتهارات عن الطرق و الاسناد، ۵.

۲۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ۴/۱۰؛ طوسی، الاستبصار، ۳۰۵/۴.

ب. با تکیه بر آنچه در مقدمه مشیخه التهذیب «قد ذکرنا نحن مستوفاً...» و نیز در آخر کتاب الاستبصار ذکر شده «و هو مذکور فی فهارس الشیوخ. فمن اراد...»^{۲۲} به نظر می‌رسد خود شیخ طوسی پاسخ دو مسئله یادشده را در ارجاع به الفهرست خودش بیان کرده است.

ج. اگر برخلاف برخی رجال‌پژوهان که در صدور جمله «و قد ذکرنا...» ازسوی خود شیخ طوسی (بنابر تقدم نگارشی المشیخه بر الفهرست)^{۲۳} تردید دارند،^{۲۴} بپذیریم که این متن ازسوی شیخ طوسی بعداً اضافه شده و از طرف شاگردان ایشان یا نساخ نبوده است، آیا طریق‌های ذکرشده در الفهرست می‌تواند در حل دو مسئله موجود در المشیخه یاری‌بخش باشد؟

د. همان‌گونه که سند، حد اعتبار حدیث را مشخص می‌کند، آیا از بیان طریق‌های موجود در الفهرست نیز می‌توان اعتبار کتاب‌ها و اصل‌ها را نتیجه گرفت؟ همان‌گونه که الفهرست از تعبیری چون «أخبرنا»، «رَوَینا» و... در بیان طریق خود استفاده کرده است، شیوه‌های گوناگون تحمل حدیث در گستره درخور توجهی راجع به اصل‌ها و کتاب‌ها در فهرست‌نویسی‌ها به کار رفته است. آیا تعبیرهای استفاده‌شده توسط شیخ طوسی در بیان طریق خود به کتاب‌ها و اصل‌ها، طریق به نسخه یا نسخه‌های آن‌ها و محتوایشان بوده است تا از این رهگذر بتوان سندهای ضعیف موجود در المشیخه را به‌وسیله آن تصحیح کرد یا این تعبیر صرفاً برای آن است که شیخ طوسی درصدد بیان اسامی کتاب‌ها و اصل‌ها به‌طریق معتبر بوده و حتی ممکن است به خود کتاب‌ها و اصل‌ها دسترسی نداشته یا آن‌ها را ندیده باشد؟ که در نتیجه، تصحیح اسناد ضعیف مشیخه به‌وسیله طریق‌های تشریفاتی الفهرست، امری مشکل می‌نماید.

طرح پرسش اخیر از آنجا نشئت می‌گیرد که برخی رجال‌پژوهان طریق‌های استفاده‌شده در الفهرست را از راه سماع، قرائت و... نمی‌دانند یا حداقل درباره آن استبعاد دارند. از دیگر سو، هزینه‌بر بودن عمل استنساخ کتاب‌ها و اصل‌ها، دسترسی به نسخه درخور اعتماد و زمان‌بر بودن قرائت یا سماع تک‌تک اصل‌ها و کتاب‌های موجود در الفهرست برای شیخ طوسی که لزوماً همه آن مصنفات روایی هم نبودند، بر دشواری این تصحیح‌انگاری می‌افزاید.

۲. رویکرد رجال‌پژوهان به تصحیح اسناد ضعیف مشیخه التهذیب با الفهرست

۲.۱. موافقان تصحیح سندی

أ. موافقان تصحیح سندی به‌طور مطلق: شیخ طوسی برخلاف نجاشی دارای دو اثر روایی مهم

۲۲. طوسی، الاستبصار، ۳۴۲/۴.

۲۳. سیستانی، قیسات من علم الرجال، ۳۸۸/۱؛ سیستانی، قیسات من علم الرجال، ۷۳/۲.

۲۴. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۲۰.

است و از این رو، فهم و تبیین طریق‌های ایشان در الفهرست تعیین‌کننده و دارای اثر است. راجع به امکان تصحیح اسناد ضعیف المشیخه با اسناد معتبر الفهرست عمدتاً دو رویکرد وجود داشته است. برخی رجال‌پژوهان با تکیه بر واگذاری شیخ طوسی در المشیخه به الفهرست، تصحیح مذکور را امری ممکن و لازم دانسته و آثار گوناگونی با روش‌های تطبیق مختلفی را برای افزایش طریق‌های معتبر روایی به کار برده‌اند؛ آیت‌الله خویی، محقق اردبیلی و... در همین دسته قرار دارند. برای نمونه، می‌توان از شیخ حسن بن زین‌الدین عاملی^{۲۵} و سیدمصطفی بن حسین تفرشی^{۲۶} نام برد که با تکیه بر الفهرست، سی‌ویک طریق دیگر را نیز به طریق‌های المشیخه افزوده‌اند.

به‌باور آیت‌الله خویی، ظاهر کتاب شیخ طوسی و افرادی نظیر علامه مجلسی و شیخ حر عاملی این است که سندی که ذکر می‌کنند، سند به نسخه باشد. بنابراین، همان‌گونه که صاحب «الوسایل الشیعة» از علی بن جعفر روایت می‌کند و بدین معناست که از وی سندی در دست دارد و به نسخه معتبری دسترسی داشته، طریق‌های مذکور در الفهرست نیز از چنین ظرفیتی برخوردار است.^{۲۷}

برخی موافقان تصحیح سندی در پاسخ به استبعادانگاری دسترسی شیخ طوسی به نسخه‌های کتاب‌ها و اصل‌های مذکور در الفهرست بر این باورند که در دوره شیخ طوسی کتاب‌های اصحاب به تعداد درخور توجهی در دسترس بوده است و استبعاد و اشکالی در رسیدن سند ایشان به نسخه‌ها مطرح نمی‌شود، هرچند دلیل قانع‌کننده‌ای بر رد استبعاد مذکور در این دسته آثار یافت نمی‌شود.

نتیجه آنکه، بنابر دیدگاه این دسته، چه طریق شیخ طوسی در المشیخه ضعیف باشد؛ مثل طریق به ابن‌ابی عمیر یا محمد بن علی بن محبوب) یا اصلاً طریقی ذکر نشده باشد؛ مثل روایات حرز بن عبدالله سجستانی یا روایات اسحاق بن عمار، می‌توان با طریق معتبر الفهرست، این ضعف یا نقص را برطرف کرد.^{۲۸}

ب. موافقان تصحیح سندی به‌طور مقید: در میان گروه موافقان، برخی اطلاق تصحیح مورد بحث را نپذیرفته‌اند و در واقع، گستره کاربردی بودن آن را از یک یا چند جهت محدود ساخته‌اند.

در تعدادی از اسناد الفهرست شیخ طوسی به کتاب‌ها و اصل‌ها، دو عبارت «أخبرنا بجميع روایاته و کتبه» و «أخبرنا بجميع روایاته» یا «أخبرنا بکتبه» به چشم می‌خورد که نیازمند واکاوی دقیق‌تری است.

۲۵. ابن‌شهبان، منتقى الجمال، ۲۸/۱.

۲۶. تفرشی، نقد الرجال، ۳۲۹/۵.

۲۷. شهیدی، درس خارج فقه. <https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/shahidi/feqh/1401/14011209>

۲۸. خویی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ۷۸/۱.

تعدادی از رجال پژوهان معاصر^{۲۹} با تفاوت‌انگاری میان این دو تعبیر، دایره کاربردی بودن تصحیح اسناد را مطلق نمی‌دانند و آن را به مواردی محدود می‌سازند که شیخ طوسی به همه کتاب‌ها و روایت راویان یا به همه روایت‌های راوی طریق داشته باشد و طریق هم صحیح باشد که بدین ترتیب، با استفاده از تعویض سند می‌شود به تصحیح روایات التهذیب و الاستبصار پرداخت که سندها و طریق‌های آن‌ها ضعیف است یا طریقی برای آن‌ها در المشیخه ذکر نشده است؛ ادعای مذکور با تکیه بر تعبیر نخست «أخبرنا بجميع روایاته و کتبه؛ أخبرنا بجميع روایاته» شکل می‌گیرد. اما سندهایی که شیخ طوسی در آن از عبارت دوم «أخبرنا بکتبه» بهره جسته است، در صورتی توانایی تصحیح روایت‌های التهذیب را داراست که یکی از دو مورد پیش‌رو احراز شود: روایات نیازمند تصحیح، از همان کتاب نقل شده باشد یا اینکه راوی، روایات دیگری در غیر این کتاب نداشته باشد؛ بدیهی است تصحیح در هر دو حالت در صورتی متصور است که طریق مدنظر در الفهرست معتبر باشد.

نپذیرفتن اطلاق تصحیح در آرای برخی دیگر به گونه متفاوتی ظاهر می‌شود؛ در دیدگاه آیت‌الله سیستانی^{۳۰} در صورتی می‌توان از الفهرست در تصحیح اسانید ضعیف بهره جست که طریق شیخ طوسی در المشیخه ضعیف باشد، اما اگر هیچ طریقی هر چند ضعیف در المشیخه ذکر نشده باشد (به دلیل محرز نبودن طریق شیخ به کتاب راوی نخست) نمی‌توان از الفهرست برای ذکر سند استفاده کرد، مگر در صورتی که شیخ طوسی تصریح کرده باشد که به همه کتاب‌ها و روایات آن فرد دسترسی دارد.^{۳۱}

۲.۲. مخالفان تصحیح سندی

به دشواری می‌توان در میان رجال پژوهان غیر معاصر و معاصر مخالفی برای کلیت تصحیح سندی مورد بحث (تصحیح اسناد ضعیف المشیخه توسط اسناد معتبر الفهرست) شناسایی کرد؛ به ویژه آنکه مبنای بسیاری از این رجال پژوهان، ارجاع شخص شیخ طوسی در المشیخه التهذیب به فهرس شیعه است. با این وجود، به نظر می‌رسد در سده اخیر که پژوهش‌های رجالی در زمینه نسخه‌شناسی اهمیت یافته و آسیب‌شناسی آن مدنظر بیشتری قرار گرفته است، پذیرش این روش (تصحیح سندی مورد بحث) با پرسش‌های مهمی مواجه شده است تا آنجا که برخی محققان، اسناد موجود در الفهرست را تشریقاتی و فاقد توانایی تصحیح دانسته‌اند.^{۳۲} بحث نسخه‌شناسی و بررسی اعتبار و ضعف نسخه‌های اصل‌ها و

۲۹. علی‌نژاد، «آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربردی آن»، ۷.

۳۰. سیستانی، قبسات من علم الرجال، ۲۵۳/۲.

۳۱. مثلاً شیخ طوسی درباره «محمد بن احمد بن داود» می‌گوید: «به جمیع کتب و روایات او دسترسی دارم و کتاب او نیکوست» (طوسی، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۳۹۵). پس اگر طریق خود به محمد بن احمد بن داود را در مشیخه نیاورده باشد، می‌توان از طریق الفهرست استفاده کرد.

۳۲. شبیری، درس خارج فقه.

کتاب‌ها در آثاری چون الفهرست، که به معرفی کتاب‌ها و اصل‌ها می‌پردازد، مهم است. همان‌گونه که در طرح مسئله بیان شد، به دلیل تصحیح اسناد ضعیف مشیخه با الفهرست، کیفیت دسترسی شیخ طوسی به کتاب‌ها و اصل‌ها در گستره این تصحیح، تأثیرگذار است. نمونه بررسی‌های نسخه‌شناسی در قرن حاضر را در کتابی، چون تفسیر علی بن ابراهیم قمی به خوبی می‌توان مشاهده کرد که اندیشمندان را در انتساب تمام یا بخشی از نسخه موجود به قمی به تردید واداشته است.^{۳۳}

ظاهراً بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی نیز اجمالاً با این دیدگاه موافق هستند که اسانید الفهرست برای تصحیح اسانید التهذیب و الاستبصار یا خروج اسناد این دو از ارسال وضع نشده است.^{۳۴} دیدگاه یا رویکرد مخالفان این روش به طور مبسوط و منسجمی ارائه نشده است؛ چراکه در دسته مخالفان نیز ناکارآمدی مطلق تعویض و ترکیب و درنهایت، تصحیح اسناد به مثابه اصل کلی مبرهن نشده است. در زمره رجال پژوهان معاصر و مخالف تصحیح سندی مورد بحث، می‌توان از آصف محسنی (۱۳۹۱-۱۳۱۴ شمسی) نام برد. وی با اقامه دلایلی که به نظر می‌رسد برخی از آن‌ها استبعاد است، اسناد معتبر الفهرست را برای طریق‌های ضعیف المشیخه کارا نمی‌داند.

۳. دلایل آصف محسنی در نقد تصحیح اسناد ضعیف المشیخه / التهذیب با اسناد معتبر الفهرست

آصف محسنی، پژوهشگر معاصر رجالی و از دانش‌آموختگان آیت‌الله خویی است. رویکرد سخت‌گیرانه سندی در زمینه رجال و حدیث، وی را واداشت که به پالایش گسترده احادیث شیعه دست زند و حاصل مبنای رجالی خود را با نگارش کتاب «معجم الاحادیث المعتمره» به نمایش گذارد. با واکاوی اندیشه‌های رجالی آصف محسنی، می‌توان دلایل زیر را بر مدعی پذیرفته‌شده وی (عدم تصحیح سندی مورد بحث) ارائه کرد:

۳.۱. دلایل استبعاد

أ. از آنجاکه هدف از نگاشتن کتاب الفهرست، معرفی و شناخت کتب و نویسندگان آن‌ها بوده است؛ انگیزه انجام استنساخ دو هزار کتاب و به‌دشواری انداختن خود در این زمینه و ازسوی دیگر، هزینه‌بر بودن

https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/feqh/980903/98

۳۳. نک: سیستانی، قیسات من علم الرجال، ۱۳۷/۲؛ معرفت، تفسیر و مفسران، ۱۸۴/۲.

۳۴. «... اما ذکر جميع الطرق المذكورة في الفهرست فليس له وجه وليس تصنيف كتاب الفهرست من الشيخ و ذكر الطرق فيه الى جميع ارباب الكتب لاجل اخراج احاديث التهذيبين من الارسال كما هو المستفاد من عبارته قدس سره بل الذي قصد الشيخ بسببه اخراج روايات التهذيبين عن الارسال...» مقدس اردبیلی، جامع الرواة و اراحة الالتباسات عن الطرق و الاسناد، ۷.

این امر، بعید به نظر می‌رسد. به‌ویژه آنکه در برخی موارد شیخ طوسی در الفهرست چند طریق را برای یک کتاب ذکر می‌کند و حال آنکه، فرض استتساخ به همان تعداد طریق یا خرید تمامی آن نسخه‌ها، امر منطقی به نظر نمی‌رسد. در چنین سبک نگارشی که به هدف ارائه آمار تألیفات شیعی سامان یافته است، ذکر و یادآوری کیفیت به‌دست‌آوردن و آگاهی‌یافتن از نسخه کتاب، امری زاید بر هدف اصلی فهرست‌نویسی به نظر می‌رسد.

در دیدگاه آصف محسنی به‌طور ظاهر یا مقطوع نسخه بیشتر کتاب‌ها در الفهرست به‌طریق مناوله (به گونه اجازه، قرائت یا سماع) به شیخ طوسی نرسیده است و احتمال اینکه کتاب‌های مذکور به طریق دیگری، مثل خریدن از بازار و... تهیه شده باشد، منطقی‌تر به نظر می‌رسد و موافق سلوک عقلاست. در نتیجه، طریق شیخ طوسی تنها به اسامی کتب و نام نویسندگان است و بدین معنا نیست که ایشان لزوماً به اصل کتاب (نسخه اصلی) دسترسی داشته است.

ب. از دیگر سو، اگر یکی از احتمالات مذکور (قرائت، سماع یا اجازه) در نحوه دریافت کتاب‌ها و اصول اتفاق افتاده بود، مناسب بود شیخ طوسی در الفهرست به این امر مهم تذکر می‌دادند، درحالی‌که طرق الفهرست بیانگر آن نیست.

ج. تمامی کتاب‌های نام‌برده‌شده در الفهرست راجع به احادیث نقل‌شده از معصومان (ع) نیست و در موضوعات مختلف دیگری است که به‌طور قطع شیخ طوسی وقت خود را برای قرائت یا سماع آن به هدر نمی‌دهد یا حداقل می‌توان گفت انجام این کار موافق سلوک عقلا نیست.^{۳۵}

د. عبارت «وَقَدْ... مستوفی» در المشیخه به الفهرست از خود شیخ طوسی نیست؛ چراکه مشیخه التهذیب بعد از اتمام التهذیب نگاشته شده است و این کتاب بر الفهرست مقدم است؛^{۳۶} بنابراین ارجاع شیخ طوسی در مشیخه به الفهرست با مشکل مواجه می‌شود. به نظر می‌رسد عبارت «وقد ذکرنا نحن مستوفی...» الحاقی است و در اینکه آیا خود شیخ طوسی آن را بعداً اضافه کرده است یا توسط شخص یا اشخاص دیگری همچون نساخ و شاگردان ایشان صورت گرفته است، نمی‌توان نظر قطعی ارائه کرد.

سیاق کلام به‌گونه‌ای است که عبارت «وَقَدْ...» با سیاق قبل از خود همخوانی ندارد.^{۳۷}

۳.۲. دلایل غیراستبعادی

۳.۲.۱. وجود موارد اندکی که به نحوه دریافت روایات از کتاب‌ها اشاره دارد.

۳۵. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۰۹-۳۴۰.

۳۶. سیستانی، قبسات من علم الرجال، ۳۸۸/۱؛ سیستانی، قبسات من علم الرجال، ۷۳/۲.

۳۷. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۲۰.

شیخ طوسی در معظم موارد الفهرست، از تعبیر «أخبرنا» استفاده کرده است. حال آنکه، لفظ «أخبرنا» نه تنها بر مجرد اجازه دلالت ندارد، بلکه بر مناو له و قرائت و سماع نیز دلالتی ندارد. به بیان دیگر، مجوزی بر حمل «أخبرنا» بر «مناو له» در دست نیست. از دیگر سو، در الفهرست مواردی وجود دارد که شیخ طوسی به سماع یا قرائت روایات یا کتاب‌ها اشاره دارد. این موارد حاکی از آن است که عبارت «أخبرنا» بر اجازه دلالت نمی‌کند، چه رسد به مناو له و قرائت و سماع. اگر این چند مورد ملاک نباشد و «أخبرنا» بر دیگر روش‌های تحمل حدیث نیز دلالت کند، پرسش مهمی مطرح می‌شود که: چرا شیخ طوسی فقط در همین موارد اندک، کیفیت تحمل را متذکر شده و در بخش کثیری از طریق‌ها چنین قیودی را اضافه نکرده است؟

برای نمونه، عبارت «أخبرنا» در طریق‌های زیر با عبارات ویژه دیگری همراه شده است:

أ. ترجمه اسماعیل بن علی بن رزین: «... و له کتاب تاریخ الاثمه (ع). أخبرنا عنه بروایته کلها الشریف ابو محمد المحدثی، و سمعنا هلال الحفّار یروی عنه مسند الرضا (ع) و غیره، فسمعناه منه و أجاز لنا باقی روایته.»^{۳۸}

در این طریق، شیخ طوسی با وجود «أخبرنا» به سماع و اجازه نیز اشاره کرده است. اگر تعبیر «أخبرنا» بر دو طریق مذکور نیز دلالت می‌کرد، نیازی نبود شیخ طوسی آن را متذکر شود. با تکیه بر مبنای آصف محسنی، «أخبرنا» بر اجازه نیز دلالتی ندارد و فهم چنین معنایی در طریق‌های الفهرست نیازمند قرینه است.^{۳۹}

ب. ترجمه احمد بن الحسین بن عبد الملک: «... بؤب کتاب المشیخة بعد أن کان منشورا فجعله علی أسماء الرجال، و لم یعرف له شیء ینسب إلیه غیره. سمعنا هذه النسخة من أحمد بن عبدون، قال: سمعتها من علی ابن محمد بن الزبیر، عن أحمد بن الحسین بن عبد الملک.»^{۴۰}

ج. ترجمه الحسن بن محبوب: «... أخبرنا بجميع كتبه و رواياته عدّة من أصحابنا، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق و معاوية بن حكيم و أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب. ... و أخبرنا بكتاب المشیخة - قراءة عليه - أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبیر، عن الحسين بن عبد الملك الأودي، عن الحسن بن محبوب.»^{۴۱}

۳۸. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۳۳.

۳۹. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۲۲۲.

۴۰. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۵۸.

۴۱. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۱۲۳.

د. ترجمه علی بن الحسن بن فضال: «... کتبه فی الفقه مستوفاه فی الأخبار، حسنة، و قيل: أنّها ثلاثون کتاباً، منها: کتاب الطب، کتاب فضل الکوفة، کتاب الدلائل، کتاب المعرفة، کتاب المواعظ، کتاب التفسیر، کتاب البشارات، کتاب الجنة و النار، کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، ... کتاب المثالب، أخبار بنی اسرائیل، کتاب الأصفیاء. أخبرنا بکتبه قراءة علیه أكثرها، و الباقي إجازة، أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبير، سماعا و إجازة، عن علي بن الحسن بن فضال»^{۴۲}

ه. ترجمه عبد الله بن احمد بن ابی زید الأنباری: «... له مائة و أربعون کتاباً و رسالة، من ذلك: البيان عن حقيقة الإنسان، کتاب الشافي في علم الدين، کتاب في الإمامة، کتاب الانتصار، کتاب المطالب الفلسفيّة. أخبرنا بکتبه و رواياته ابو عبد الله احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر رحمه الله، عنه، سماعا و إجازة»^{۴۳}

و. ترجمه عبد الله بن موسى بن عبد الله بن الحسن بن حسن بن علي بن ابی طالب (ع): «له رسالة إلى المأمون، و للمأمون جوابها. أخبرنا احمد بن عبدون، عن الدوري، عن ابي الفرج علي بن الحسين الكاتب، قال: أخبرني أبي أبو الحسن علي بن الحسين بن علي بن علي بن حمزة، عن الحسن بن عبد الله بن العباس بن علي بن ابی طالب، و أخبرني أنّ عمه محمد بن علي بن حمزة أعطاه إياها و قال: أعطانيها بعض ولد عبد الله بن موسى بعد موته»^{۴۴}
در طریق مذکور، عبارت «أخبرنا» با مناوله همراه شده است.

ز. ترجمه محمد بن یعقوب کلینی: «... له كتب منها: کتاب الکافي ... و له کتاب الرسائل، و کتاب الردّ علی القرامطة، و کتاب تعبیر الرؤيا. أخبرنا بجميع رواياته الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان، عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي، عن محمد بن يعقوب، بجميع كتبه. و أخبرنا الحسين بن عبيد الله قراءة علیه أكثر الكتاب الکافي، عن جماعة منهم: أبو غالب أحمد بن محمد الزراري و ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه و أبو عبد الله أحمد بن إبراهيم الضمیری المعروف بابن أبي رافع، و أبو محمد هارون بن موسى التلعکبري و أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني، کلهم عن محمد بن يعقوب ...»^{۴۵}

۳. ۲. ۲. استفاده «روينا» و «أخبرنا» در کنار یکدیگر در یک طریق

شیخ طوسی در برخی موارد در فهرست تعبیرهای «أخبرنا» و «روينا» را کنار هم استفاده کرده است.

۴۲. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۲۷۳.

۴۳. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۲۹۶.

۴۴. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۲۹۹.

۴۵. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۹۳.

از سیاق متن فهمیده می‌شود که در چنین مواردی، منظور از «رَوَیْنَا» اطلاع یافتن از روایات کتاب بوده، نه صرف اطلاع یافتن از اسم کتاب. حال آنکه، به غیر از موارد اندک این چنینی، در سایر موارد همراهی «أَخْبَرْنَا» و «رَوَیْنَا» در یک طریق وجود ندارد؛ در نتیجه، مفاد طریق‌هایی که این دو عبارت با هم استفاده شده‌اند با طریق‌هایی که فقط «أَخْبَرْنَا» در آن ذکر شده است، متفاوت می‌باشد.^{۴۶} هرچند آصف محسنی دربارهٔ معنای «رَوَیْنَا» نیز دو احتمال را مطرح کرده است: احتمال نخست، عدم تفاوت این عبارت با أَخْبَرْنَا است و تمایز آن صرفاً از باب تفتن در تعبیر است؛ احتمال دوم، اینکه برای هریک از این دو جمله «أَخْبَرْنَا» و «رَوَیْنَا» معنای مخصوصی وجود دارد و شیخ طوسی با دلیلی این دو تعبیر را به کار گرفته است و «أَخْبَرْنَا» معنای «رَوَاه لَنَا» را افاده نمی‌کند.^{۴۷}

آصف محسنی، در نهایت با استناد به طرق زیر، احتمال دوم را تقویت کرده است:

أ. **ترجمة الحسين بن ثوير:** «له كتاب. أخبرنا به ابن أبي جید، عن ابن الولید. ورواه لنا عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن الحسن، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله والحميري، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن محمد بن اسماعيل، عن الخيري، عن الحسين بن ثوير.»^{۴۸}

ب. **ترجمة علي بن مهزيار الأهوازي:** «... له ثلاثة وثلاثون كتاباً، مثل كتب الحسين بن سعيد وزيادة، كتاب حروف القرآن، وكتاب الأنبياء، وكتاب البشارات... أخبرنا بكتبه وروايته جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله والحميري و محمد بن يحيى و أحمد بن إدريس، عن أحمد بن محمد، عن العباس بن معروف، عن علي بن مهزيار، إلا كتاب المثالب فإنه روى العباس نصفه عن علي بن مهزيار.»^{۴۹}

طریق مذکور به گونهٔ واضحی به تفاوت تعبیر «أَخْبَرْنَا» و «رَوَى» اشاره دارد. شیخ طوسی از اسامی کتب و روایات علی بن مهزیار خبر داده و از آن میان، تنها نصف کتاب «مَثَالِب» را عباس از علی بن مهزیار روایت کرده است؛ روایت مذکور ممکن است بر یکی از طریق‌های سماع، قرائت و... اشاره داشته باشد.

ج. **ترجمة عمر بن أذينة:** «... له كتاب. أخبرنا الحسين بن عبيد الله، عن محمد بن علي بن الحسين، عن محمد بن الحسن، عن الصفار، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن ابن أبي عمير و صفوان، عن عمر بن أذينة. و كتاب عمر بن أذينة نسختان: إحداهما الصغرى و الأخرى الكبرى. رويناها عن جماعة، عن أبي المفضل، عن حميد، عن الحسن بن محمد بن سماعة، عن عمر بن أذينة. و له كتاب الفرائض. رويناها

۴۶. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۱۴.

۴۷. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۱۳.

۴۸. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۱۵۱.

۴۹. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۲۶۵.

بالإسناد، عن حمید، عن أحمد بن میثم بن الفضل بن دکین، عن عمر بن أذينة.^{۵۰}

۴. برابری دیدگاه آصف محسنی

با تکیه بر آنچه گذشت می‌توان برابری دیدگاه آصف محسنی را چنین بیان کرد:

۱. به‌باور وی هر چند اسانید معتبر در الفهرست از «نام کتاب‌ها» خبر داده است و در آن تردیدی نیست، اما ذکر سند در الفهرست مستلزم صحت تمامی روایات آن کتب نیست؛ چراکه همه کتاب‌های الفهرست به طریق منواله تا چه رسد به سماع و قرائت، به شیخ طوسی نرسیده است یا به عبارت دیگر، روایات این کتب در ضمن نسخه‌ای معتبر به ایشان نرسیده است؛ یعنی شیخ طوسی آن کتاب‌ها و اصل‌ها را ندیده است ولی به سند معتبر از نام آن‌ها خبر می‌دهد.

۲. اثبات اجازه تا چه رسد به روایت از طریق سماع و قرائت و منواله نسخه، تمام این‌ها نیازمند قرینه‌زاندی بر اصل جمله «أخبرنا» است، حال آنکه فقط در موارد اندکی در الفهرست این قرینه‌ها به چشم می‌خورد و باید به مدالیل آن‌ها ملتزم بود. اما در غیر آن موارد اندک، به اصل اسانید الفهرست، که تنها ناظر به بیان اسم‌های کتاب‌ها هستند، مراجعه می‌شود.

۳. در واقع، بین باور به رسیدن «اسامی» کتاب‌ها به سند معتبر تا رسیدن تمامی «روایات» این کتاب‌ها به سند معتبر، فاصله زیاد و تفاوت آشکاری است و به همین دلیل نمی‌توان ضعف طرق المشیخه را با اسانید معتبر در الفهرست جبران کرد.

۵. بررسی دیدگاه آصف محسنی در تصحیح اسناد ضعیف المشیخه/التهذیب با

الفهرست

دیدگاه آصف محسنی در عدم تصحیح مورد بحث را می‌توان با ذکر محورهای زیر واکاوی کرد:

۵. ۱. مفهوم تعبیر «أخبرنا» در الفهرست

تعبیر به کاررفته در کیفیت تحمل احادیث و کتاب‌ها مشابه هستند و می‌توان از رهگذر تحلیل تاریخی تعبیرهای گوناگون در نحوه دریافت احادیث به دیدگاه منسجمی راجع به کیفیت دریافت کتاب‌ها و اصل‌ها نیز دست یافت. اصطلاحات ناظر به تحمل حدیث، مراحل و معانی مختلفی را پشت سر گذاشته است؛ تلاش برای تساوی‌انگاری یا تفاوت‌پنداری برخی تعبیر مذکور در شیوه‌های نگارشی چون معاجم روایی، فهارس، تاریخ و... از مسائل مهم دانش‌های حدیثی، به‌ویژه در پژوهش‌های قرن حاضر شمرده می‌شود.

۵۰. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۳۲۴.

یکی از مناقشات آصف محسنی در رد تصحیح مورد بحث، عدم افاده جمله «أخبرنا» به روش‌هایی چون اجازه، سماع یا قرائت است. برای کاربرد تعبیر «أخبرنا» و اینکه با در نظر داشت چه تمایزاتی، بر چه روش‌هایی ناظر است، دیدگاه‌های گوناگونی قابل رهگیری است. برخی بر مترادف «أخبرنا» و «أنبأنا» با «حدَّثنا» تاکید کرده‌اند؛^{۵۱} عده‌ای از محدثان «حدَّثنی/حدَّثنا» را مخصوص سماع و «أخبرنی/أخبرنا» را مخصوص قرائت می‌دانند.^{۵۲} هرچند تعدادی چون ابوجعفر طحاوی این تفاوت‌انگاری را نادرست دانسته و با تمایزدایی این دو اصطلاح و تدوین رساله‌ای به نام «التسویه بین حدَّثنا و أخبرنا» به تشابه آن‌ها قائل است. در آثار حدیثی متقدمان به دشواری می‌توان روش واحد و عامی را در نحوه به کارگیری الفاظ تحمل روایت یافت.

اصطلاحات و تعبیرهای تحمل روایت چون «حدَّثنا»، «أخبرنا» و... از حوزه دانش حدیث به دیگر رشته‌ها؛ چون تاریخ و دیگر حوزه‌های علوم نقلی؛ چون قرائت نیز راه یافت. چنین تعبیری در سراسر کتاب‌های «تاریخ طبری»، «انساب الاشراف» و «اخبار مکه» مشاهده شدنی است.^{۵۳} در فهرس امامی کاربرد تعبیر «أخبرنا» چنان گسترده است که به نظر می‌رسد به نوعی روایت به اجازه اشعار دارد. چنین به کارگیری وسیع از تعبیر «أخبرنا» در رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی کاملاً محسوس است. کاربرد مذکور در مواردی عجیب می‌نماید که با وجود تصریح نویسندگان فهرس به عدم رؤیت اثر (کتاب یا اصل) حدیثی، همچنان در بیان طریق از این تعبیر بهره جسته‌اند؛ برای نمونه می‌شود به کتاب مبوب ابراهیم بن محمد بن ابی یحیی اشاره کرد.^{۵۴} شاهدهی دیگر بر کاربرد وسیع «أخبرنا» در مواردی است که صاحبان فهرس تصریح کرده‌اند که کتاب را از طریق فهرستی دیگر همچون فهرست محمد بن حسن ابن ولید یا ابن ندیم روایت کرده‌اند که نمونه آن، کتاب اسماعیل بن جابر جعفی است.^{۵۵} شاهد آخر، روایت کردن کتاب‌های متعدد یک نویسنده، همچون محمد بن مسعود عیاشی^{۵۶} از طریق واحد و با تعبیر «أخبرنا» است که نقل همه آن‌ها به عرض از طریق واحد بعید به نظر می‌رسد و ظاهراً به طریقی مبتنی بر اجازه است.^{۵۷}

با وجود تعمیم کاربردی «أخبرنا» در فهرس، مواردی نیز به چشم می‌خورد که صاحبان فهرس به روش

۵۱. خطیب، اصول الحدیث علومه و مصلحه، ۱/۱۶۰.

۵۲. قاسمی، قواعد التحديث من متون مصطلح الحدیث، ۱/۲۱۶.

۵۳. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «تحمل حدیث»، ۵۸۱۰/۱۴.

۵۴. نجاشی، رجال النجاشی، ۱۵؛ طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۹.

۵۵. نجاشی، رجال النجاشی، ۳۳.

۵۶. نجاشی، رجال النجاشی، ۵، ۶، ۲۹، ۷۶، ۱۳۹.

۵۷. پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، «تحمل حدیث»، ۵۸۱۰/۱۴.

خاص دریافت (وجاده، وصیت و...) اشاره داشته و از تعبیر عام «آخرنا» استفاده نکرده‌اند. برای نمونه، نجاشی در نقل از ابن نوح، در مواردی که از او اجازه مستقیم نداشته است، همواره تصریح می‌کند که روایت کردن از ابن نوح به طریق وصیت است و به گونه اجازه نیست و بدین جهت در این موارد تعبیر «آخرنا» را به کار نبرده است.^{۵۸} یا در نقل به وجاده از نوشته‌های ابن عقده یا ابن غضنیری، تعبیر «قال» را به کار برده است.^{۵۹}

با تکیه بر آنچه گفته شد، استفاده از «آخرنا» در شیوه انتقال کتاب‌ها نزد متقدمان امامیه که صاحبان فهرس بوده‌اند، لزوماً به معنای دسترسی به کتاب‌ها و اصل‌ها به روش سماع و قرائت یا دسترسی به نسخه اصلی نبوده است؛ شاید بتوان این عبارت را در فهرس به اجازه نزدیک‌تر یافت تا سماع و قرائت. برای نمونه، می‌توان به کتاب «الآغانی» در الفهرست اشاره کرد؛^{۶۰} کتاب مذکور در بردارنده برگزیده‌ای از آوازاها، شعر و ادب، قصه‌ها، اساطیر و موسیقی عرب در عصر جاهلی و اموی و صدر دولت عباسی تا آخر قرن سوم هجری قمری است. دلیل قانع‌کننده‌ای برای اینکه شیخ طوسی برای سماع یا قرائت چنین اثری زمان خویش را صرف کنند تا از صحت نسخه اطمینان یابند، در دست نیست و شاید به‌باور آصف محسنی، این کار را به نوعی مخالف سلوک عقلا نیز دانست.

این باور که تعبیر «آخرنا» به صراحت ناظر بر روشی چون سماع و قرائت نیست یا حداقل در آن تردید وجود دارد، بر ایند مهمی را فراروی محققان می‌نهد و آن اینکه: اگر «آخرنا» ناظر به دسترسی به نسخه اطمینان بخش نباشد و فقط از اسامی کتاب‌ها و اصل‌ها حکایت کند، بدین معناست که شیخ طوسی نسبت به محتوای آن آثار؛ یعنی روایت‌های موجود در آن احاطه نداشته است و به عبارت دیگر، از صحت یا ضعف سندهای روایات موجود در آن کتاب‌ها اطمینان نداشته است یا حداقل دغدغه اولی ایشان در الفهرست، این امر نبوده است. بنابراین، تصحیح اسناد ضعیف در المشیخه به وسیله اسناد معتبر در الفهرست که اطمینان شیخ طوسی راجع به اسناد روایات آن کتاب‌ها و اصل‌ها محرز نیست، با پرسشی مهم مواجه شده است و فرایند تصحیح‌سازی را دشوار می‌سازد.

۵. ۲. دسترسی به نسخه اصلی کتاب‌ها و اصل‌ها

دسترسی به نسخه معتبر کتاب‌ها و اصل‌ها از دو جهت درخور بررسی است: نخست آنکه، آیا تمامی نسخه‌های کتاب‌ها نزد متقدمان وجود داشته است؟ و دیگر اینکه، متقدمان برای دوری از نقل کتب و

۵۸. نجاشی، رجال النجاشی، ۱۰۲.

۵۹. نجاشی، رجال النجاشی، ۱۱.

۶۰. طوسی، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۵۴۴.

روایات به گونهٔ وجاده، از شیوخ خود اجازهٔ نقل دریافت می‌کردند؛ آیا همراه با این اجازات، لزوماً کتابی هم بین شاگرد و استاد ردوبدل می‌شده است؟

راجع به محور نخست دیدگاه واحدی بین اندیشمندان رجالی به چشم نمی‌خورد؛ همان‌گونه که گذشت آیت‌الله خویی به وجود نسخه‌ها نزد متقدمان قائل است و برخی دیگر، از جمله آصف محسنی چنین ادعایی را با قطعیت نمی‌پذیرند. با تکیه بر شواهدی به نظر می‌رسد لزوماً تمامی نسخه‌های کتاب‌ها نزد متقدمان وجود نداشته است. برای مثال، محقق اردبیلی می‌گوید: «فعلاً از دو صد کتاب شیخ مفید تقریباً چیزی باقی نمانده است، مگر کتاب «المقنعه» آن هم در بعضی از شهرها و نیز تقریباً از سیصد کتاب صدوق باقی نمانده است، مگر «کتاب من لایحضره الفقیه» و «ثواب الاعمال».^{۱۱} طبیعی است هرچه به زمان متقدمان نزدیک‌تر می‌شویم، دشواری استتساخ کتاب و ارسال آن به شهرهای اطراف و از همه مهم‌تر هرچه از زمان تألیف کتاب یا اصل دورتر می‌شویم، اطمینان به اینکه آیا نسخه موجود، همان نسخه اصلی و معتبر و عاری از دس است، دشوارتر می‌شود.

در محور دوم اگر حداقل مفاد «أخبرنا» در الفهرست طوسی را به «اجازه» تعبیر کنیم، باید بررسی شود که این اجازه همراه با کتاب بوده است یا خیر؟

«اجازه» در واقع شایسته‌دانستن شاگرد برای دریافت روایت‌های شیخ است. هدف اولی در اجازه، تأیید نسخه از سوی استاد نیست، بلکه صرف اجازه در نقل از کتاب است. تشخیص نسخه صحیح از سقیم، امری فرعی نسبت به هدف اصلی اجازه به شمار می‌آید. در واقع، صاحب یا دارنده کتاب به طور کلی به شاگرد اجازه داده که جمیع کتب و روایات وی را نقل کند، که این شاگرد نیز به شاگرد دیگر چنین اجازه‌ای را داده است تا به شیخ طوسی می‌رسد و لزوماً بدین معنا نیست که نویسنده یا دارنده کتاب‌ها، تمام کتب را به شاگرد بدهد و او نیز به شاگرد خودش بدهد تا به دست شیخ طوسی رسیده باشد.

در الفهرست برخی شواهد وجود دارد که اجازات شیخ طوسی لزوماً همراه مناو له نبوده است و طریق‌هایی مذکور طرقی نیستند که حتماً همراه آن نسخه خاصی در اختیار ایشان قرار گرفته باشد. مؤید این ادعا در جایی است که شیخ طوسی از عبارت‌هایی چون «قل له ثلاثون کتاباً» یا «زاد فلان کتاب کذا و کذا له» برای بیان برخی یا همه کتاب‌های یک نویسنده استفاده می‌کند:

أ. برای نمونه، در ترجمه علی بن حسن چنین آمده است: «علي بن الحسن الطاطري، الكوفي، كان واقفياً، شديد العناد في مذهبه، صعب العصبية على من خالفه من الإمامية! وله كتب كثيرة في نصرته مذهبه، وله كتب في الفقه، رواها عن الرجال الموثوق بهم و برواياتهم، فلأجل ذلك ذكرناها. منها: كتاب الحيض،

کتاب المواقیت، کتاب القبله، کتاب فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، کتاب الصداق، کتاب النکاح، کتاب الولاية، کتاب المعرفة، کتاب الفطرة، کتاب حجج الطلاق، و قيل أنّها أكثر من ثلاثين کتابا. أخبرنا بروایاته کلّها أحمد بن عبدون، عن أبي الحسن علي بن محمد بن الزبير القرشي، عن علي بن الحسن بن فضال و أبي الملك أحمد بن عمر بن کيسبة النهدي جميعا، عن علي بن الحسن الطاطري.^{۶۲}

ب. در ترجمه الحسن بن محبوب آمده است: «الحسن بن محبوب السرد و يقال له الزراد يكتني أبا علي، مولی بجيلة، كوفي، ثقة، روى عن أبي الحسن الرضا (ع)، و روى عن ستين رجلا من أصحاب أبي عبد الله (ع). و كان جليل القدر، يعدّ في الأركان الأربعة في عصره. له كتب كثيرة، منها: كتاب المشيخة، كتاب الحدود، كتاب الديات، كتاب الفرائض، كتاب النکاح، كتاب الطلاق، كتاب النوادر نحو ألف ورقة. و زاد ابن النديم: كتاب التفسير، كتاب العتق - رواه أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى - و غير ذلك. أخبرنا بجميع كتبه و رواياته عدة من أصحابنا، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق و معاوية بن حكيم و أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب.^{۶۳}»

ج. شيخ طوسی در ترجمه علی بن ابراهيم بن هاشم القمي می گوید: «له كتب، منها: كتاب التفسير، كتاب الناسخ و المنسوخ، كتاب المغازي، كتاب الشرائع، كتاب قرب الإسناد. و زاد ابن النديم: كتاب المناقب و كتاب اختيار القراءات و رواياته. أخبرنا بجميعها جماعة، عن أبي محمد الحسن بن حمزة العلوي الطبري، عن علي بن ابراهيم.^{۶۴}»

پرسش مهمی در برابر چنین تعبیراتی شکل می گیرد و آن اینکه، اگر خود شیخ طوسی به کتاب ها و اصل ها دسترسی داشته و آن ها را دیده است و سندهای موجود، سند به خود کتاب ها و نسخه ها بود، چرا ایشان از «قیل» یا «زاد فلان» استفاده کرده است، به ویژه آنکه بلافاصله بعد از چنین تعبیراتی، عبارت «أخبرنا بجميع كتبه و رواياته» نیز آمده است؟ اگر ظاهر تعبیر آن است که منظور، جمع کتب این شخص و نسخه هایی باشد که به دست ایشان رسیده است، چه توجیهی برای تعبیر به «قیل» و «زاد فلان» وجود خواهد داشت؟

بنابراین، شاید بتوان ادعا کرد که ملازمه ای بین اجازه و دریافت کتاب بالمناوله وجود ندارد و طریق های موجود در الفهرست، صحت نسخه را تأیید نمی کند و برای اثبات صحت نسخه کتب باید روش های

۶۲. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، ۲۷۲.

۶۳. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، ۱۲۲.

۶۴. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، ۲۶۶.

دیگری (توجه به ناسخ، مقابله‌کننده، علائم بلاغ، قرائت، عصر کتابت، قدمت نسخه و مقایسهٔ منقولات آن با سایر منقولات کتب معتبر و...) را به کار گرفت.

در دو محور گذشته؛ یعنی مفاد واقعی اخبارنا و عدم قطعیت در دسترسی به نسخه‌ها، مؤیداتی برای دیدگاه آصف محسنی هویدا شد، اما در برخی طریق‌های شیخ طوسی در الفهرست با جملهٔ «اخبارنا بجمع کتبه و روایاته» مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد سند عام مذکور توانایی تصحیح را داراست؛ آیا آصف محسنی با چنین دیدگاهی موافق است؟ راجع به عبارت «اخبارنا بجمع کتبه و روایاته» طرح مسائل زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۵.۳. اخبار از جمیع کتاب‌ها و روایت‌ها

در طریق شیخ طوسی به کتاب‌ها و روایات در الفهرست چهار حالت وجود دارد: أ. در برخی موارد قبل از ذکر سند، جملهٔ «اخبارنا بجمع کتبه و روایاته» آمده است؛ تعداد استفادهٔ این تعبیر تقریباً به پنجاه مورد می‌رسد؛^{۶۵} ب. در برخی دیگر، جملهٔ «اخبارنا بکتبه» ذکر شده است؛^{۶۶} ج. در مواردی نیز تعبیر «اخبارنا بروایاته» بدون «کتبه» به چشم می‌خورد؛^{۶۷} د. در ذیل اسامی برخی راویان اصلاً سندی ذکر نشده است.^{۶۸}

مفاد هریک از تعبیرات مذکور با یکدیگر متفاوت است و به نظر می‌رسد بهترین نوع طریق از میان چهار حالت ذکرشده، حالت نخست «اخبارنا بجمع کتبه و روایاته» باشد که در آن علاوه بر کتاب‌های شخص از تمامی روایات وی نیز خبر داده شده است. پایین‌ترین حالت آن نیز در مواردی است که هیچ سندی در زیر اسامی راویان ذکر نشده باشد. باتوجه به آنچه گذشت حالت دوم «اخبارنا بکتبه» نیز برای تصحیح سندهای ضعیف یاری‌بخش نیست و اما در حالت نخست و سوم، که بحث اخبار از روایات یا جمیع روایات یک شخص است، گویا روزه‌ای برای بهره‌گیری از تصحیح احادیث نمایان می‌شود. آیا با سند عام «اخبارنا بجمع کتبه و روایاته» می‌شود به تصحیح سندهای ضعیف المشیخه (که اسم شخص مذکور در آن باشد) دست زد؟

برای پاسخ به پرسش مطرح‌شده، پرسش‌های مهم‌تری مطرح می‌شود که آیا روایات مذکور در همین کتاب‌ها بوده است یا در کتاب‌ها نبوده و به صورت مستقلی (مثلاً در چند برگه یا به وسیلهٔ حفظ کردن) به دست شیخ طوسی رسیده است؟ و آیا اخبار از روایات، اخبار تفصیلی بوده است یا اخبار از نام روایات؟

۶۵. برای نمونه: ترجمهٔ ابن الصلت الأهوازی. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۳۸.

۶۶. برای نمونه: ترجمهٔ اسماعیل بن محمد. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۳۰.

۶۷. برای نمونه: ترجمهٔ اسماعیل بن ابی‌زیاد. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۳۳.

۶۸. برای نمونه: بکرین احمد. طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۹۶.

آصف محسنی در پاسخ به پرسش نخست یادشده، دیدگاهش را با قطعیت بیان نمی‌کند و باوجود پذیرفتن احتمال خارج‌بودن این روایات از کتب در برخی طریق‌های الفهرست، به این دیدگاه بیشتر متمایل است که: ظاهراً مراد از روایاتی که در مقابل کتب قرار گرفته است، همان روایات نقل‌شده از ائمه (ع) باشد که در کتاب یا کتاب‌ها ذکر شده است و در واقع، این روایات جزو همان کتاب‌هاست. دلیل این تخصیص (مجزا ذکرکردن کتب و روایات) نیز از آن جهت بوده است که لزوماً تمامی محتوای کتاب‌ها، روایات رسیده از معصومان نبوده و برخی از بخش‌های کتاب، حاوی روایات معصومان است. شیخ طوسی، به‌عنوان محدث، به وجود روایات معصومان در این کتاب‌ها تذکری می‌دهد. در واقع ابن عطف، عطف جزء بر کل یا اهم بر مهم و برای تأکید بیان شده است.^{۶۹} اما در برخی موارد الفهرست که واژه «روایاته» مقدم بر «کتابه» آمده است،^{۷۰} نتیجه‌گیری این امر که روایات جز کتبه باشد، دشوار است.

اما آنچه در دیدگاه آصف محسنی مسلم می‌نماید این امر است که هر مرادی از ذکر «روایاته» مدنظر شیخ طوسی باشد، ثمره عملی‌ای به دنبال ندارد؛ چراکه بنای شیخ طوسی در التهذیب بر عدم‌روایت از اشخاص است و از کتب و اصول روایت می‌کند.

در دیدگاه آصف محسنی اخبار از روایات در طریق‌های مورد بحث نیز لزوماً به معنای اطلاع‌یافتن شیخ طوسی به گونه تفصیلی از این روایات نیست. وی با تحلیل برخی اسناد الفهرست، که از اخبار روایات خبر می‌دهد، دیدگاهش را تقویت می‌کند. برای نمونه، در طریق «هارون بن مسلم له روایات عن رجال الصادق (ع)، ذکر ذلک ابن بطة، عن ابی‌عبدالله محمد بن ابی‌القاسم عنه. و خبرنا ابن ابی‌جید، عن ابن‌الولید عن عبدالله بن جعفر الحمیری عنه»،^{۷۱} دلالتی بر اخبار از روایات به گونه تفصیلی وجود ندارد یا در طریق «علی بن مهزیار... خبرنا بکتابه و روایاته جماعة عن... الا کتاب المثالب، فانّ العباس روی نصفه عنه...»،^{۷۲} دو تعبیر «أخبرنا» و «روی» ذکر شده است و «روی نصفه» معنایی متفاوت از اخبار را افاده می‌کند و بیانگر آن است که نصف کتاب را به گونه مناوله، سماع یا قرائت از عباس دریافت کرده است اما سایر کتاب‌ها و روایات وی به روش «روی» نبوده است.

بالعکس، موارد مذکور از طریق «الحسین بن ثویر، له کتاب، خبرنا به ابن ابی‌جید، عن ابی‌الولید، و رواه لنا عده من اصحابنا عن احمد بن محمد...»،^{۷۳} به دست می‌آید که افزون‌بر اخبار از اسم کتاب، خود

۶۹. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۱۳.

۷۰. ترجمه احمد بن محمد بن سعید: «... أخبرنا بجمع روایاته و کتبه أبو الحسن احمد بن محمد بن موسی الاهیازی، و کان معه خط ابی‌العباس (بالاجازة و شرح روایاته و کتبه) عن ابی‌العباس احمد بن محمد بن سعید» (طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الأصول، ۶۸).

۷۱. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الأصول، ۴۹۶.

۷۲. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الأصول، ۲۶۵.

۷۳. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الأصول، ۱۵۱.

کتاب نیز برای شیخ طوسی روایت (مناوله یا سماع یا قرائت) شده است. در نهایت، حاصل از دیدگاه آصف محسنی این است که اگر در جمله «أخبرنا بجميع كتبه و رواياته» فقط با تعبیر «أخبرنا» روبه‌رو باشیم، بدین معناست که فقط اسامی کتب و روایات به شیخ طوسی گزارش داده شده است، اما اگر در ادامه عبارت شیخ طوسی قرآنی دال بر دریافت فراتر از أخبرنا^{۷۴} موجود باشد، به دریافت شیخ طوسی از خود روایات (نه تنها گزارش از اینکه فلانی روایاتی دارد) نیز می‌توان اطمینان حاصل کرد و چنین طریقی قادر است سند ضعیف در المشیخه را تصحیح کند. با تکیه بر همین مناسبت که وی طریق معتبر الفهرست به‌سوی محمد بن ابی عمیر را برای تصحیح طریق ضعیف المشیخه به ابن ابی عمیر کافی نمی‌داند. شیخ طوسی در الفهرست می‌گوید: «أخبرنا بجميع كتبه و رواياته جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله و الحميري، عن إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير».^{۷۵} سند مذکور در دیدگاه آصف محسنی معتبر است اما از آنجاکه إخبار با قرینه دیگری همراه نشده است و صرفاً بر گزارش از اسامی کتب و روایات دلالت دارد، قادر به تصحیح سند ضعیف المشیخه به ابن ابی عمیر نمی‌شود.^{۷۶}

۵.۴. احواله شیخ طوسی به الفهرست

سابقاً گذشت که آصف محسنی در انتساب جمله «و قد...» در مشیخه التهذیب به شیخ طوسی، بنابر قرآنی چون مقدم بودن کتاب التهذیب بر الفهرست و ناهمخوانی سیاق این عبارت با عبارات پیشین، قائل به استبعاد است.

به نظر می‌رسد نمی‌توان شواهد قانع‌کننده‌ای برای تقویت این باور، که جمله مذکور از خود شیخ طوسی نباشد، اقامه کرد. عبارت مذکور در ادامه صحبت‌های شیخ طوسی آمده است و رد این امر قطعی (وجود این عبارت در المشیخه) و نص عبارت شیخ طوسی نیازمند دلیل قوی‌تری نسبت به استبعاد صرف است. ناهمخوانی سیاق عبارت مذکور با دیگر عبارات قبلی هر چند نیازمند واکاوی دقیق‌تر ماهران ادبیات عربی است، اما اگر قائل به اضافه کردن عبارت مذکور در المشیخه بعد از اتمام الفهرست باشیم، ناهمخوانی سیاق امری پذیرفتنی می‌شود؛ چراکه نویسنده از فضای تألیف المشیخه فاصله گرفته و واضح است اگر عبارتی را اضافه کند، با آنچه در زمان تألیف نگاشته است دارای حداقل تفاوت نگارشی و... خواهد بود.

۷۴. تعبیاتی چون: سمعنا، قراءه علیه، اعطیناها و زواه لنا و... که بر وصول نسخه معتبر دلالت دارد.

۷۵. طوسی، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ۴۰۵.

۷۶. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۶۶.

بنابراین، دو دلیل استبعادِ مطرح‌شده توسط آصف محسنی از پشتوانه نظری متقنی برخوردار نیست و درستی آزمایی آن نیازمند ارائه دلیل نظری استوارتر یا محتاج بررسی نسخه‌های اولیه المشیخه است.

۵.۵. دلایل مطرح‌شده آصف محسنی در نپذیرفتن تصحیح طریق ضعیف المشیخه با طریق معتبر الفهرست از قوت یکسانی برخوردار نیست. به نظر می‌رسد دو نقد وی بر نپذیرفتن تصحیح مذکور وارد است که عبارت‌اند از: تقييد أخبرنا با دیگر روش‌های دریافت (سماع و قرائت) در موارد اندکی در الفهرست و تمام‌نبودن مفاد أخبرنا بر دیگر روش‌های دریافت. دلیل استواری بر رد آن در دیگر آثار رجالی یافت نشد و می‌توان اشکال وی را وارد دانست اما درباره برخی دلایل استبعاد؛ چون بحث سیاق و عدم انتساب ارجاع به شیخ طوسی و اکاوی‌های فزون‌تری نیاز است.

در صورت اثبات این موضوع که جمله «و قد ذکرنا...» از شیخ طوسی است، آیا آصف محسنی به پذیرش تصحیح سندی مورد بحث قائل خواهد شد؟ وی در اثر رجالی خود، بحوث فی علم الرجال، پاسخ مثبتی به پرسش مذکور می‌دهد، هرچند این پاسخ مثبت با تقييد و تذکری همراه است: تقييد از این جهت که به‌باور وی ظاهر متن شیخ طوسی در واگذاری برخی طریق‌ها به الفهرست، ویژه مواردی است که سند در المشیخه موجود و ضعیف باشد، نه مواردی که در المشیخه هیچ طریقی برای آن‌ها ذکر نشده است؛ چراکه به‌باور آصف محسنی کلام شیخ طوسی در آخر المشیخه، در اختصاص مذکور ظهور دارد و تعمیم آن به مطلق طریق‌های روایات التهذیب نیازمند دلیل دیگری است.^{۷۷} تذکر نیز از آن جهت است که پذیرش تصحیح سندی مذکور، به معنای حل دو مسئله یادشده (مفاد أخبرنا و تقييد برخی طرق توسط شیخ طوسی به دیگر روش‌های دریافت) نخواهد بود.

موارد زیر دیدگاه نویسنده بر دلالت تمامی جمله‌های أخبرنا (در الفهرست) بر اجازه را با تردید روبه‌رو می‌سازد:

۱. ثبوتاً، چنین امری ممکن است که همه نسخه‌ها به شیخ رسیده باشد و استحالة عقلی ندارد، ولی در مقام اثبات از این سخنان، اطمینان به اینکه همه نسخه‌های نقل شده در فهرست، نزد شیخ موجود بوده و آن‌ها بالمناوله یا بالاجازه به شیخ رسیده حاصل نمی‌شود، خصوصاً با توجه به مقدمه فهرست که شیخ در مقام بیان ضرورت تألیف فهرست خود می‌گوید: کتب تألیف‌شده از سوی دیگران در این باب ناقص بوده و روش هرکس این بوده است که فهرست کتاب‌های موجود در خزانه‌اش را ذکر کند، لذا فهرستی جامع از تألیفات علمای شیعه موجود نیست: «(أما بعد) فإني لمارأيت جماعة من شيوخ طائفتنا من أصحاب الحديث عملوا فهرست كتب أصحابنا و ماصنفوه من التصانيف ورووه من الأصول و لم أجد أحدا استوفي

۷۷. محسنی، بحوث فی علم الرجال، ۳۲۰.

ذلك و لا ذکر أكثره بل كل منهم كان غرضه أن يذكر ما اختص بروايته وأحاطت به خزائنه من الكتب و لم يتعرض أحد منهم لاستيفاء جميعه عمدت إلي كتاب يشتمل علي ذكر المصنفات والأصول...؛ این کلمات شیخ إشعار دارد که روش خود ایشان متفاوت بوده و ایشان علاوه بر اسامی کتب موجود در کتابخانه اش، اسامی کتاب های دیگری را نیز ذکر می کند، هرچند به نسخه های آن ها دسترسی نداشته باشد تا فهرست نسبتاً جامعی از تراث شیعه را ارائه دهد.

۲. به نظر می رسد برای اتحاد کیفیت طرق فهرست و طرق احادیث نیازمند اقامهٔ دلیل هستیم. این سخن که «اصل بر این است که این طرق در میان محدثان به جهت نقل روایت وضع شده است و نه نقل مجرد اسامی»، در اسانید روایات کافی، فقیه و سایر کتب حدیثی به وضوح قابل رهگیری است و بنای عملی آصف محسنی نیز بر آن جاری شده است، لکن در غیر کتب حدیثی همانند طرق فهرست شیخ و نجاشی نیازمند بررسی بیشتری است، به ویژه باتوجه به هدف تألیف فهرست که پاسخ به شبهه و اتهام مخالفان بوده است، نه تصحیح اسانید غیر معتبر یا روایات مرسل. شاهد بر این ادعا حرف نجاشی در اول جزء دوم کتابش است: «فإني وقفت على ما ذكره... من تعبير قوم من مخالفينا، أنه لا سلف لكم ولا مصنف، وهذا قول من لا علم له بالناس... وقد جمعت من ذلك ما استطعته و لم أبلغ غايته؛ لعدم أكثر الكتب.» باتوجه به این موضوع و اینکه فهرست نسبتاً جامعی برای کتاب های علمای شیعه وجود نداشته، همان گونه که شیخ در مقدمه فرموده اند: «عملوا فهرست كتب أصحابنا... و لم أجد أحدا استوفي ذلك... لم يتعرض أحد منهم لاستيفاء جميعه» شیخ و نجاشی تصمیم گرفته اند که نام های کتاب های مصنفان شیعه را فهرست کنند و با ذکر سند ثابت کنند که علمای شیعه در اعصار مختلف در رشته های مختلف کتاب داشته اند. برای تحقق این غرض، نقل اسامی کتاب ها و مؤلفان آن ها با ذکر طرق و اسانید کفایت می کند و وصول نسخه های آن ها بالمناوله او السماع او القرائه او الاجازة المجردة نیاز به بیان زائد و دلیل دارد.

۳. به نظر آصف محسنی جملهٔ اخیرنا، نه بر مناوله دلالت می کند، نه بر قرائت و سماع و اجازه، لذا شیخ در موارد خاصی که علاوه بر نقل اسامی کتاب ها، سماع و قرائت یا اجازه را تذکر داده است، که ۸ مورد آن را آصف محسنی ذکر کرده است؛ نتیجه می گیرد مجرد اخبار بر اجازه دلالت نمی کند، چه رسد به مناوله و مواردی که یکی از امور واقع شده است نیاز به تصریح دارد. اگر مجرد اخبار، دلالت بر اجازه و... دارد، چرا شیخ در این موارد خاص به اخیرنا اکتفا نکرده و نیاز به تصریح پیدا کرده است؟!

اما در خصوص ترجمه اسماعیل بن علی بن رزین: «... و له كتاب تاريخ الاثمه (ع) أخبرنا عنه برواياته كلّها الشريف أبو محمد المحمّدي، و سمعنا هلال الحفّار يروي عنه مسند الرضا (ع) و غيره، فسمعناه منه و

أجاز لنا باقي رواياته.»، درست است که فاعل أخبرنا، شریف ابومحمد محمدی است، ولی جمله بعدی دلالت می‌کند که سماع و اجازه از أخبرنا فهمیده نمی‌شود و نیاز به بیان زائد دارد. شیخ آیا می‌توانسته بگوید: أخبرنا لنا باقي رواياته؟

از طرفی احتمال اینکه مسند الرضا جز تاریخ ائمه باشد، قوی‌تر است و با این احتمال نیز تفسیر سند مذکور با یکسان‌پنداری أخبرنا و اجازه عجیب نیست؟
در باره مثال‌های دیگر این بخش، با تعبیر «أخبرنا بجميع رواياته و کتبه و یا أخبرنا بروایاته کلهما»، نویسنده مقاله قانع نشد که از اجازه‌ای که در عبارت «أخبرنا بجميع رواياته و کتبه» وجود دارد، خارج است.

نتیجه‌گیری

المشیخه شیخ طوسی با دو کاستی «ضعف» و «اهمال» مواجه است: برخی طرق موجود، دارای اعتبار نیست و برخی دیگر از طریق‌های شیخ طوسی به صاحبان کتاب، در المشیخه ذکر نشده و مهمل‌رها شده است. شیخ طوسی در مقدمه المشیخه برخی طریق‌ها را به اثر دیگر خود، الفهرست، واگذار کرده است و از این رهگذر، بسیاری از رجال‌پژوهان اقدام به تصحیح سندی سندهای ضعیف یا ذکر نشده در المشیخه با طریق‌های معتبر الفهرست کرده‌اند.

تعداد اندکی از رجال‌پژوهان معاصر، از جمله آصف محسنی، با تصحیح سندی مذکور موافق نیست و دلایلی را برای تقویت مدعای خود از کتاب الفهرست مطرح کرده است. وی برخی دلایل را به‌عنوان استبعاد و برخی دیگر را به‌عنوان نقد جدی‌تر به تصحیح مورد بحث وارد می‌داند.

در دیدگاه آصف محسنی، تعداد زیادی از طریق‌های ذکر شده در کتاب الفهرست شیخ طوسی، طریق به نسخه معتبر یا طریق به روایات کتاب‌ها و اصل‌ها نبوده است و اسناد ذکر شده، سند به اسامی آن کتاب‌ها و اصل‌هاست؛ در واقع اگر هدف از نگاشتن الفهرست، معرفی کتاب و صاحبان آن‌ها بوده است، انگیزه‌ای برای استتساخ یا دریافت به روش سماع و قرائت و... باقی نمی‌ماند. وی باور دارد بین اخبار از اسامی کتب و دسترسی به نسخه معتبر و آگاهی از اسناد روایات کتب تفاوت آشکاری وجود دارد و با تکیه بر این امر، تصحیح سندی مورد بحث دشوار می‌شود.

تعداد شایان توجهی از اسناد الفهرست شیخ طوسی مشتمل بر جمله «أخبرنا» است. مفاد این تعبیر، تنها اخبار از اسامی کتاب‌ها و روایات است، نه اینکه شیخ طوسی با ذکر این تعبیر سماع، قرائت یا مناوله را قصد کرده باشد. آصف محسنی مؤیداتی را برای این مدعا ذکر کرده است:

أ. تعداد اندکی از طرق الفهرست افزون بر «أخبرنا» با عباراتی چون «رواه»، «سمعتُ» و دیگر تعابیر دریافت حدیث/کتاب همراه است؛ بنابراین در بیشتر مواردی که أخبرنا آمده است نشانگر معنای اخبار، بدون سماع و قرائت و... است و تفاوت این تعبیرات نیز آشکار است. به عبارت دیگر، تا زمانی که در طریق‌های موجود الفهرست قرینه‌ای بر حمل أخبرنا به سماع و قرائت و مناوله و... موجود نباشد، باید به اصل (تنها اخبار از نام‌های کتاب) مراجعه کرد.

ب. موضوع تمامی کتاب‌های الفهرست، روایات رسیده از معصومان(ع) نیست و اینکه شیخ طوسی خودش را برای استتساخ یا مقابله نسخه آن‌ها به دشواری انداخته باشد، بعید از سلوک عقلاست. در دیدگاه آصف محسنی، تنها با آن دسته از طرق معتبر الفهرست می‌توان به تصحیح سندی پرداخت که افزون بر تعبیر «أخبرنا»، به روش‌هایی دال بر سماع، قرائت و مناوله نیز (در همان طرق) اشاره شده باشد و آن طرق نیز معتبر باشند.

برخی دلایل استبعادی مطرح شده توسط آصف محسنی؛ همچون تشکیک در انتساب عبارت ناظر بر استیفای تمام طریق‌ها به الفهرست «و قد ذکرنا...» به شیخ طوسی و ناهمخوانی سیاق عبارت مذکور با عبارات قبلی، برخلاف دلایل نخست از پشتوانه نظری محکمی برخوردار نیست.

منابع

<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/shahidi/feqh/1401/14011209>

https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/feqh//۹۸۰۹۰۳/۹۸

ابن شهیدثانی، حسن بن زین الدین. منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان. به تصحیح علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

اعرجی کاظمی، سید محسن. عدة الرجال. به تحقیق مؤسسة الهدایة للاحیاء التراث. قم: اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

بحرالعلوم، سید محمد مهدی بن مرتضی. الفوائد الرجالية. به تحقیق محمد صادق بحر العلوم. تهران: مکتبه الصادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۶۳.

پاکتچی، احمد. دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی. مقاله «تحمل حدیث». مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۷.

تفرشی، مصطفی بن حسین. نقد الرجال. به تحقیق مؤسسه آل البيت(ع) للاحیاء التراث. قم: آل البيت(ع) للاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۳۷۷.

تهرانی، محمد حسن. «بررسی روش عمومی شیخ طوسی در کتاب فهرست». مطالعات اسلامی علوم قرآن و

حدیث. س ۴۰، ش ۸۱ (۱۳۸۷): ۱۳۵-۱۶۴.

- تهرانی، محمدحسن. الذریعة الى تصانیف الشيعة. قم: اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة تهران، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- جلالی، مهدی، رحیمه شمشیری. «مزیای فهرست نجاشی بر فهرست و رجال شیخ طوسی و بررسی نسبت و اختلاف آن‌ها با یکدیگر». دو فصلنامه علوم قرآن و حدیث. س ۴۱، ش ۸۳ (۱۳۸۸): ۱۰۱-۱۲۰.
- حائری، سیدکاظم. مباحث الاصول. تقریرات خارج سیدباقر صدر. قم: دار البیشر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- خطیب، محمد عجاج. اصول الحدیث علومه و مصطلحه. بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- خویی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة. بی‌جا: بی‌نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- ربانی، محمدحسن. سبک‌شناسی دانش رجال حدیث. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- سبحانی تبریزی، جعفر. کلیات فی علم الرجال. قم: حوزه علمیه، مرکز مدیریت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- سیستانی، محمدرضا. قیسات من علم الرجال. بیروت: دار المورخ العربی، چاپ دوم، ۱۴۳۸ق.
- شبییری، سیدجواد. درس خارج فقه. مدرسه فقاها.
- شهیدی، محمدتقی. درس خارج فقه. ۱۴۰۱، مدرسه فقاها.
- شوشتری، محمدتقی. قاموس الرجال. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمدعلی. جامع المقال فیما یتعلق باحوال الحدیث و الرجال. به تحقیق محمدکاظم طریحی. تهران: کتاب‌فروشی جعفری تبریزی، بی‌تا.
- طوسی، محمدبن حسن. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.
- طوسی، محمدبن حسن. تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- طوسی، محمدبن حسن. فهرست کتب الشيعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الأصول. به تحقیق عبدالعزیز طباطبایی. قم: محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
- علی‌نژاد، ابوطالب. «آشنایی با طریق شیخ طوسی و نقش کاربرد آن»، حدیث حوزه. ش ۲ (۱۳۹۰)، ۷-۳۱.
- قاسمی، محمد جلال‌الدین. قواعد التحديث من متون مصطلح الحدیث. بیروت: چاپ محمد بهجه بیطار. چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- کلباسی، محمدبن محمدابراهیم. الرسائل الرجالية. به تصحیح محمدحسین درایتی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- محسنی، محمدآصف. بحوث فی علم الرجال. قم: مرکز المصطفی‌العالمی للترجمه و النشر، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
- مروی، محمدحسین، محمد غفوری‌نژاد. «سیمای مکتب کلامی بغداد بر اساس داده‌های نجاشی و طوسی». پژوهش‌نامه کلام. س ۷، ش ۱۴ (۱۴۰۰): ۲۱۳-۲۴۰.
- معرفت، محمدهادی. تفسیر و مفسران. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰.
- مقدس اردبیلی، محمدبن علی. جامع الرواة و ازاخة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد. بیروت: دار الاضواء،

چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

مقدس اردبیلی، محمدبن علی. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

نجاشی، احمدبن علی. رجال النجاشی. به تحقیق موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵.

نوری، حسین بن محمدتقی. مستدرک الوسائل. به تحقیق مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث. بیروت: آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

نیل ساز، نصرت، ابوالفضل رجایی فرد. «سیر تاریخ نگاری شیعه در پنج قرن نخست براساس دو فهرست شیخ طوسی و نجاشی». معرفت. س ۲۷، ش ۲۵۱ (۱۳۹۷): ۲۵-۴۰.

Transliterated Bibliography

‘Alīnizhād, Abū Ṭālib. "Āshīnāyī bā Ṭarīq Shaykh Ṭūsī va Naqsh Kārburdī ān", *Ḥadīth Hawzah*, No. 2 (2012/1390): 7-31.

A‘rajī Kāzīmī, Sayyid Muḥsin. ‘*Udda al-Rijāl*. researched by Mū’assisa al-Hidāya li-lḥyā’ al-Tūrāth. Qum: Ismā‘īliyyān, Chāp-i Awwal, 1995/1415.

Bahr al-‘Ulūm, Sayyid Muḥammad Mahdī ibn Murtaẓā. *al-Fawā'id al-Rijālīyā*. researched by Muḥammad Ṣādiq Bahr al-‘Ulūm. Tehran: Maktaba al-Ṣādiq (AS), Chāp-i Awwal, 1944/1363.

Ḥā’irī, Sayyid Kāzim. *Mabāḥith al-Uṣūl. Taqrīrāt Khārij Sayyid Muḥammad Bāqir Ṣadr*. Qum: Dār al-Bashīr. Chāp-i Awwal, 1966/1385.

Ibn Shāhīd Thānī, Ḥasan ibn Zayn al-Dīn. *Muntaqā al-Jamān fī al-Aḥādīth al-Ṣiḥāḥ wa al-Ḥisān*. ed. ‘Alī Akbar Ghafārī. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Awwal, 1984/1362.

Jalālī, Maḥdī; Raḥīmīh Shamsīrī. "Mazāyāy Fihrist Najāshī bar Fihrist va Rijāl Shaykh Ṭūsī va Barrīsī Nisbat va Ikhtilāf ān-hā bā Yikdīgar". *Dū Faṣṣnāmīh-yi ‘Ulum Qurān va Ḥadīth*. Yr. 41, no. 83 (2010/1388): 101-120.

Kalbāsī, Muḥammad ibn Muḥammad Ibrāhīm. *al-Rasā'il al-Rijālīyā*. Ed. Muḥammad Ḥusayn Dirāyatī. Qum: Mū’assisah-yi ‘Ilmi Farhangī Dār al-Ḥadīth, Chāp-i Awwal, 2001/1422.

Khaṭīb, Muḥammad ‘Ajāj. *Uṣūl al-Ḥadīth ‘Ulūmuhu wa Muṣṭalahuhu*. Beirut: Dār al-Fikr, Chāp-i Awwal, 2005/1426.

Khū’ī, Abū al-Qāsim. *Mu’jam Rijāl al-Ḥadīth wa Tafṣīl Ṭabaqāt al-Ruwāt*. s.l. s.n. Chāp-i Panjum, 1993/1413.

Ma'rifat, Muḥammad Hādī. *Tafsīr va Mufasīrān*. Qum: Mū'assisah-yi Farhangī al-Tamhīd, Chāp-i Awwal, 2002/1380.

Marvī, Muḥammad Ḥusayn; Muḥammad Ghafūrīnizhād. "Simāy Maktab Kalāmī Baghdād bar Asās Dādih-hā-yi Najāshī va Tūsi". *Pazhūhishnāmāh-yi Kalām*. Yr. 7, no. 14 (2022/1400): 213-240.

Muḥsinī, Muḥammad Āṣif. *Buḥūth fi 'Ilm al-Rijāl*. Qum: Markaz al-Muṣṭafā li-l- Tarjumah va Nashr, Chāp-i Panjum, 2011/1389.

Muqaddas Ardabīlī, Muḥammad ibn 'Alī. *Jāmi' al-Ruwāt wa Izāḥa al-Ishtibāhāt 'an al-Ṭuruq wa al-Isnād*. Beirut: Dār al-Aḍwā', Chāp-i Awwal, 1983/1403.

Muqaddas Ardabīlī, Muḥammad ibn 'Alī. *Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān fi Sharḥ Irshād al-Adhhān*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1983/1403.

Najāsh, Aḥmad ibn 'Alī. *Rijāl Najāsh*. researched by Mūsā Shubayrī Zanjānī, Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī, Chāp-i Shishum, 1986/1365.

Nīlsāz, Nuṣrat; Abū al-Faḍl Rajāyifard. "Siyr Tārikhnigārī Shi'a dar Pang Qarn Nakhust bar Asās dū Fihrist Shaykh Tūsi va Najāshī". *Ma'rifat*. Yr. 27, no. 251 (2019/1397): 25-40.

Nūrī, Ḥusayn ibn Muḥammad Taqī. *Mustadrak al-Wasā'il*. researched by Mū'assisa Āl al-Bayt(AS) li-Iḥyā' al-Tūrāth. Beirut: Āl al-Bayt(AS) li-Iḥyā' al-Tūrāth, Chāp-i Awwal, 2008/1429.

Pākatchī, Aḥmad. *Dānishnāmih Buzurg Islāmī*. Markaz Dāyrah al-Ma'ārif Buzurg Islāmī, Maqālīh-yi "Taḥamul Ḥadīth". Markaz Dāyrah al-Ma'ārif Buzurg Islāmī. Chāp-i Awwal, 1989/1367.

Qāsimī, Muḥammad Jamāl al-Dīn. *Qawā'id al-Taḥdīth min Mutūn Muṣṭalah al-Ḥadīth*. Beirut: Chāp Muḥammad Bahjah Bīṭār, Chāp-i Awwal, 1987/1407.

Rabānī, Muḥammad Ḥasan. *Sabkshināsī Dānish Rijāl Ḥadīth*. Qum: Markaz-i Fiqhī A'imah Aṭhār (AS). Chāp-i Awwal, 2007/1385.

Shahīdī, Muḥammad Taqī. *Dars Khārij Fiqh*. Madrisah-yi Fiqāhat. 2022/1401.

Shubayrī, Sayyid Javād. *Dars Khārij Fiqh*. Madrisah-yi Fiqāhat.

Shushtarī, Muḥammad Taqī. *Qāmūs al-Rijāl*. Qum: Mū'assisa-i al-Nashr-i al-Islāmī, Chāp-i Duvūm, 1990/1410.

Sīstānī, Muḥammad Ridā. *Qabasāt min 'Ilm al-Rijāl*. Beirut: Dār al-Muwarakh al-'Arabī, Chāp-i Duwum, 2017/1438.

Subḥānī Tabrizī, Ja'far. *Kuliyāt fi 'Ilm al-Rijāl*. Qum: Ḥawzah-yi 'Ilmiyah, Chāp-i Duvūm, 1990/1410.

Tafrishī, Muṣṭafā ibn Ḥusayn. *Naqd al-Rijāl*. researched by Mū'assisa Āl al-Bayt (AS) li-Iḥyā' al-Tūrāth. Qum: Āl al-Bayt (AS) li-Iḥyā' al-Tūrāth, Chāp-i Awwal, 1999/1377.

Tihrānī, Muḥammad Ḥasan. " Barrisī Ravish 'Umūmī Shaykh Ṭūsī dar Kitāb Fihrist". *Muṭālī'āt-i Islāmī Ulum Qurān va Ḥadīth*. Yr. 40, no. 81 (2009/1387): 135-164.

Tihrānī, Muḥammad Ḥasan. *al-Dharī'a Ilā Taṣānīf al-Shi'a*. Qum: Ismā'īliyyān va Kitābkhānah-yi Islāmīyah-yi Tehran. Chāp-i Awwal, 1988/1408.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad 'Alī. *al-Jāmi' al-Maqāl fi mā Yaraaluq bi Ahwāl al-Ḥadīth wa al-Rijāl*. researched by Muḥammad Kāzim Ṭurayḥī, Tehran: Kitābfurūshī Ja'farī Tabrizī, s.d.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *al-Istibṣār fi mā Ikhtalafa min al-Akhhbār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya, Chāp-i Chāhārum, 1985/1363.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Fihrist Kutub al-Shi'a wa Uṣūlahum wa Asmā' al-Muṣannifin wa Aṣḥāb al-Uṣūl*. researched by 'Abd al-'Azīz Ṭabāṭabāyī. Qum: al-Muḥaqqiq Ṭabāṭabāyī, 1999/1420.

Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. *Tahdhīb al-Aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. Chāp-i Chāhārum, 1987/1365.

